

### گرفتن قارن دژ الاتي را

وزان تيرگي کاندر آمد به ماه  
برآورده سرتابه چرخ کبود  
که دارد زمانه نشیب و فراز  
که برگاشتش سلم روی از نبرد  
سزد گر برو بر بگیریم راه  
کسي نگسلاند ز بن پاي اوي  
به خارا برآورده از قعر آب  
فگنده برو سایه پر همای  
رکاب و عنان را ببايد بسود  
به کهتر سپارد سپاهی گران  
هم انگشتر تور با من به راه  
سپه را به حصن اندر انداختن  
برین راز بر باد مگشاي لب  
نهادند بر کوهه پیل کوس  
ز خشکی به دریا نهادند روی  
که من خویشتن را بخوادم نهفت  
نمایم بدو مهر انگشتری  
درفشان کنم تیغ های بنفش  
چنانک اندر آید، دمید و دهید  
به شیروی شیراوژن و خود براند  
سخن گفت و دژدار مهرش بدید  
بفرمود تا یک زمان دم زدم  
که روز و شب آرام و خوردن مجوی  
سوی دژ فرستد همی با سپاه  
نگهبان دژ باش و بیدار باش  
همان مهرانگشتری را بدید  
بدید آشکارا، ندانست راز  
که راز دل آن دید کوه دل نهفت  
ابا پیشه مان نیز اندیشه باد!  
بباید همی داستانهازدن  
یکایک به روی اندر آورده روی  
سپهبد به هر چاره آماده دل

به سلم آگهی رفت ازین رزمگاه  
پس پشتش اندر یکی حصن بود  
چنان ساخت کاید بدان حصن باز  
هم این يك سخن قارن اندیشه کرد  
کالاتي دژش باشد آرامگاه  
که گر حصن دریا شود جای اوي  
یکی جای دارد سر اندر سحاب  
نهاده ز هر چیز گنجی بجای  
مرا رفت باید بدین چاره زود  
اگر شاه بیند ز جنگ اوران  
همان با درفش همایون شاه  
بباید کنون چاره ای ساختن  
من و گرد گرشاسپ و این تیره شب  
چو روی هوا گشت چون آب نوس  
همه نامداران پرخاشجوی  
سپه را به شیروی بسپرد و گفت  
شوم سوی دژبان به پیغمبری  
چو در دژ شوم بر فرازم درفش  
شماروی یکسر سوی دژ نهید  
سپه را به نزدیک دریا بماند  
بیامد چو نزدیکي دژ رسید  
چنین گفت کز نزد تور آمدم  
مرا گفت شو پیش دژبان بگوي  
کز ایدر درفش منوچهر شاه  
تو با او به نیک و به بد یار باش  
چو دژبان چنین گفت هارا شنید  
همانگه در دژ گشادند باز  
نگر تا سخنگوی دهقان چه گفت  
مرا و ترا بندگی پیشه باد!  
به نیک و به بد هر چه شاید بدن  
چو دژدار و چون قارن رزم جوي  
یکی بدسگال و یکی ساده دل

همي جُست آن روز تا شب زمان  
به بيگانه بر، مهر خويشي نهاد  
چو شب روز شد قارن رزمخواه  
خروشيد و بنمود يك يك نشان  
چو شيروي ديد آن درفش يلي  
در حصن بگرفت و اندر نهاد  
به يك دست قارن به يك دست شير  
چو خورشيد بر تيغ گنبد رسيد  
نه دژ بود گفتي نه كشتي بر آب  
درخشيدن آتش و باد خاست  
چو خورشيد تابان ز بالا بگشت  
بكشتند از ايشان فزون از شمار  
همه روى دريا شده قيرون

نه آگاه دژدار از آن بدگمان  
بداد از گزافه سر و دژ به باد  
درفشي برافراخت چون گرد ماه  
به شيروي و گردان گردنكشان  
به كين روي بنهاد با پر دلي  
سران را ز خون برسر افسر نهاد  
بسر گرز و تيغ آتش و آب زير  
نه آيين دژ بد نه دژبان پديد  
يكي دود ديدي سر اندر سحاب  
خروش سواران و فرياد خاست  
چه آن دژ نمود و چه آن پهن دشت  
همي دود از آتش برآمد چو قار  
همه روى صحرا شده جوى خون

آبنوس: چوبى سخت و سياه و شفاف

آئين: فرّ و شكوه

اگر شاه بيند: اگر شاه صلاح بداند

الان (الآن): نام ولايتى از تركستان

اندر نهادن: باشمشير زدن

انگشتر: مخفف انگشت آراى

ايدر: اينجا، اکنون

بدسگال: بداندیش

بسودن (پسودن): دست مالیدن، لمس کردن

پر خاشجوى: جنگاور

پيغمبر: پيغام بر، پيك

تيغ بنفش: تيغ جوهردار، تيغ آبدار و بران

چرخ كبود: آسمان

حصن: حصار، قلعه، دژ، برج

داستان زدن: حدس زدن

درفشان: رخشنده، تابان، درخشان

دم زدن: درنگ کردن، توقف کردن

دميد و دهيد: بزنيد و بكشيد

روى بر گاشتن: برگردانيدن روى

زمان جستن: درنگ کردن

سحاب: ابر

سخنگوى: خطيب، كسى كه سخن از روى

تجربه و دانش گوید

شيراوژن (شيراوزن): شيركش

شيروى: يكي از پهلوانان سپاه فريدون

عنان بسودن: سواره رفتن

قار: قير، سياه

قارن: پسر كاوه آهنگر

كوس: طبل

كوهه: برامدگى پشت فيل و شتر

گردنكش: دلاور، جنگاور

گرشاسب: پسر زاب، يكي از

پادشاهان پيشدادى

گزافه: بيهوده

مهر نهادن: مهر افكندن، محبت كردن

هماى: نام مرغى است فرخنده و خجسته

كه استخوان خورد

يكايك: سرانجام

## مأخذ

۱. شاهنامه فردوسی (از روی نسخه مسکو)، نشر محمد، تهران، ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۸  
شابک (ISBN): ۵-۳۵-۵۵۶۶-۹۶۴
۲. شاهنامه (جلد اول) از دستنویس موزه فلورانس، دکتر عزیزالله جوینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲  
شابک (ISBN): ۰-۴۷۱۴-۰۳-۹۶۴
۳. لغت نامه دهخدا (CD)، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران  
شابک (ISBN): ۹-۶۰۱۰-۴۳-۰۹۵
۴. فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران، ۱۳۸۱  
شابک (ISBN): ۷-۰۱۳۱-۰۰-۹۶۴
۵. فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، داریوش شامبیاتی، نشر آران، چاپ اول، ۱۳۷۵
۶. شاهنامه فردوسی (CD)، نشر کانون انفورماتیک، تهران، ایران،  
<http://www.kanoon.net>
۷. <http://www.farhangiran.com>
۸. <http://shahnameh.com>